

بررسی رفتار تصمیمات تخصیص منابع و انگیزه دانشجویان به ادامه تحصیل در آموزش عالی

Investigating of Behavior of Resource Allocation Decisions and Motivation of Students to Continue Studying in Higher Education

Kazem Fathtabar Firouzjaei

PhD in Economics and Financial Management of Higher Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: K_fathtabar.1986@yahoo.com

کاظم فتح تبار فیروزجائی^{۱*}

دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Abolghasem. Naderi

Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

ابوالقاسم نادری

استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Abstract

Motivation is one of the, key factors and influencing the behavior and decision of individuals to continue their education in higher education. In this regard, the present study was conducted to investigate the motivation of students to continue their education in higher education (Payame Noor University of Babol). The study population was 355 people (155 male and 200 female) from the students of Banol City Payame Noor University chosen through cluster sampling method. The study data were collected using a questionnaire written by the researcher. The validity of questionnaire was tested through content validity, and its reliability was tested by Chronbach's alpha (95%) in the SPSS software. The data were analyzed by descriptive and inferential statistics software. The study results show that the most important motivation of the students was the academic-educational motivation (mean score= 4.29), and the least important motivation was the political association motivation (mean score=2.55). Employment motivation (mean score= 4.20), income motivation (mean score= 3.95), personal dignity motivation

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و ارزیابی وضعیت رفتار تصمیمات تخصیص منابع و انگیزه دانشجویان به ادامه تحصیل در آموزش عالی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش ۳۵۵ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان بابل بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردیدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه نگرش‌سنج محقق ساخته مشتمل بر ۴۵ سوال در ارتباط با انگیزه دانشجویان به ادامه تحصیل در آموزش عالی بوده است. اعتبار آن از طریق اعتبار محتوی و پایایی آن استفاده از آلفای کرانباخ (۰/۹۵) مورد ارزیابی قرار گرفت. و داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که انگیزه علمی- تحصیلی با میانگین (۴/۲۹) اولین و مهم‌ترین انگیزه و انگیزه میل به مشارکت سیاسی با میانگین (۲/۵۵) کم اهمیت‌ترین انگیزه دانشجویان به ادامه تحصیل در دانشگاه بوده است. همچنین، انگیزه اشتغال با میانگین (۴/۲۰)، انگیزه درآمد (۳/۹۵) انگیزه منزلت فردی (۳/۷۴)، انگیزه منزلت خانوادگی (۴/۱۷) و انگیزه میل به مشارکت اجتماعی (۴/۰۰) به ترتیب اولویت از دیگر اهداف و انگیزه‌های دانشجویان

^۱ نویسنده مسئول: K_fathtabar.1986@yahoo.com Email:

(mean score= 3.74), family dignity motivation (mean score= 4.17), and social association motivation (mean score= 4.00) were the other motivations. Political participation and academic motivations has been different among the male and female students. Also family status has been different among the students of the faculties of Human Sciences, Basic Sciences, and Technical and Engineering Studies, but the difference was not significant concerning other motivations. The results also suggested that there is no significant difference among male and female students regarding their academic achievement, but it was significant in case of different faculties.

Keywords: Academic Motivation, Resource Allocation Decisions, Students, Academic Achievement, Higher Education, Payame Noor University.

به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و ادامه تحصیل در دانشگاه بوده- اند. در بین انگیزه‌های مزبور، در انگیزه علمی- تحصیلی و انگیزه مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار بوده است. همچنین انگیزه منزلت خانوادگی در بین دانشجویان رشته‌های تحصیلی علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی متفاوت بوده است. اما در سایر انگیزه‌ها تفاوت معناداری بین دانشجویان رشته‌های تحصیلی مشاهده نشده است.

واژه‌های کلیدی: انگیزه تحصیلی، تصمیم‌گیری تخصیص منابع، دانشجویان، آموزش عالی، دانشگاه پیام نور.

پذیرش: دی ۱۴۰۲

دریافت: آبان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

آموزش (کسب علم، دانش و معرفت) که به باروری و شکوفایی اندیشه بشر می‌پردازد در همه جوامع بشری دارای جایگاه ویژه و برجسته‌ای بوده، و به‌عنوان یک کالای ارجحیت‌دار / شایسته^۲ از دیرباز مورد توجه و عنایت انسان‌ها و جوامع انسانی بوده است. و از حیث تخصیص منابع نسبت به سایر امور جایگاه اول را در زندگی فردی و جمعی بشر داراست. در عصر حاضر^۳ نیز با توجه به پیچیدگی‌ها و گستردگی‌های ابعاد زندگی بشر به مدد توسعه روزافزون علم و فناوری و دانش‌بنیان شدن و دانایی‌محور جوامع، آموزش و تحصیل در علوم مختلف نقش بیشتر و جایگاه جدی‌تری را در زندگی آنها پیدا کرده است. زیرا حضور فعال در جوامع پیچیده امروزی مستلزم برخورداری از دانش، مهارت، نگرش، منش و توانمندی‌های ویژه‌ای است آموزش و کسب تحصیلات عالی یکی از بهترین مسیر جهت دستیابی به اهداف فوق می‌باشد. تحصیل علم و دانش علاوه بر این که موجبات باروری و شکوفایی فکر، اندیشه، نگرش و منش انسانها را فراهم می‌کند، باعث اتصال و تعامل فعال آن‌ها با مراکز و مراجع علمی معتبر دنیا و استفاده بهتر و موثرتر از فناوری‌ها و منطبق کردن آن با زندگی خود و شناخت انقلاب عظیم دیجیتال و آماده‌شدن برای فرصت‌ها و چالش‌های عظیم ناشی از آن، و به‌طور کلی آماده کردن افراد برای زندگی و وارد شدن دنیای کار می‌شود، و زمینه را برای رسیدن جوامع به سمت توسعه پایدار ملی هموار می‌سازد. به‌همین خاطر عاملان و تصمیم‌گیران متعددی از جمله: (۱) افراد/ دانشجویان و خانواده در سطح خرد (بخاطرمنافع و مزایای شخصی آموزش: درآمد بیشتر و کسب شغل بهتر، افزایش منزلت و ...؛ ۲) بنگاه‌ها و سازمان‌ها در سطح میانی و بخشی (به‌دلیل بهبود کیفیت و ارتقای کارایی و افزایش توانمندی منابع انسانی و نیروی کار خود و ...؛ ۳) دولت به‌عنوان نماینده جامعه در سطح کلان (بخاطر منافع و مزایای اجتماعی آموزش؛ و (۴)- موسسات بین‌المللی در سطح فراکلان و بین‌المللی (به دلیل مزایای اجتماعی و سرریز آموزش) ذیمدخل هستند که هر یک باتوجه به نیازمندی‌های خود، بخش زیادی از منابع و امکانات خود (مالی و زمانی) را به امر آموزش و سرمایه‌گذاری در آن

^۲. Merit Cood

^۳. عصر دیجیتال [Digital Era]

اختصاص دهند. اما مسئله اساسی این است که هر یک از این عاملان انگیزه، اهداف و دلایل مختلف و متفاوتی برای این کار دارند. به این ترتیب دانشجویان به عنوان متقاضیان اصلی آموزش و از عاملان، تصمیم گیران و تخصیص دهندگان منابع به آموزش محسوب می شوند که سالانه سهم عمده ای از منابع محدود (بودجه و زمان) خود را صرف یادگیری عالی می کنند، تقاضای رو به رشد برای ورود به مراکز آموزش عالی و اختصاص بخش قابل توجهی از بودجه و امکانات خانواده به امر آموزش، شاهد اصلی این مدعاست.

امروزه نیز بنا به دلایلی نظیر آشکار شدن نرخ بازده خصوصی آموزش برای افراد و خانواده هایشان، تقاضا و انگیزه آنها برای ادامه تحصیل در آموزش عالی و دانش اندوزی در سطح عالی و سرمایه گذاری در این حوزه افزایش یافته است. در همین راستا، هر ساله افراد زیادی از قشرها و طبقات گوناگون جامعه با انگیزه ها و اهداف مختلف و متفاوتی به منظور کسب تحصیلات عالی و ادامه تحصیل در سطوح و مقاطع مختلف تحصیلی و رشته های گوناگون علمی وارد دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی مختلف از جمله دانشگاه پیام نور می شوند. براساس تحلیل های نظری سرمایه گذاری انسانی، آموزش باعث باروری و شکوفایی اندیشه و به تبع آن موجب منافع آتی افزایش درآمد و شغل مناسب و ... می شود. شولتز^۴ نیز در یک تحلیل جامع برای تبیین رفتار سرمایه گذاری آموزشی افراد، انگیزه های افراد مانند، بهداشت، مهاجرت و جستجوی شغلی را مورد توجه و تاکید قرار داده است. بیکر^۵ نیز در یک تحلیل جامع با مشاهدات تجربی خود روش منظمی برای نتایج جدید و استنباط های نظری فراهم نمود. وی برای تبیین رفتار افراد جهت سرمایه گذاری آموزشی و انگیزه افراد به آموزش و انباشت سرمایه انسانی در خود مفهوم نرخ بازده (نرخ بازده شخصی و اجتماعی) را مطرح نمود یعنی افراد بخاطر مزایایی که آموزش برای آنها در طول زندگی دارد به ادامه تحصیل در سطوح مختلف تحصیلی و متعاقب آن انباشت سرمایه انسانی در خود می پردازند. به طور کلی، ادبیات پژوهش حاکی از آن است که افراد انگیزه های متفاوتی برای این کار دارند که در یک نگاه کلی می توان آنها را به سه دسته تقسیم بندی نمود: الف) بهره مندی از لذات آنی به سبب یادگیری و ارتقای نیکو زیستی؛ ب) ارتقای جایگاه اجتماعی- سیاسی در آینده؛ ج) کسب منافع اقتصادی بیشتر در آینده^۶ (Crook, Todd, Combs, Woehr & Ketchen, 2011, Entezari et al, 2013).

مقوله انگیزه و تبیین رفتار و تصمیمات آموزشی دانشجویان یکی از مباحث مهم و اساسی در بحث آموزش عالی است. انگیزه به عنوان عاملی اصلی و تاثیرگذار در تعیین و تبیین رفتار و تصمیم افراد از جمله در کسب علم و معرفت، و محرکی موثر در افزایش عملکرد و کارایی افراد و رکن اساسی پیشرفت هر فرد نسبت به زمینه مورد علاقه اش از جمله ادامه تحصیل در یک رشته خاص در جوامع مختلف محسوب می شود. چرا که انگیزه، تحرک، تکاپو و پویایی لازم را در دانشجویان برای به پایان رساندن موفقیت آمیز یک تکلیف، رسیدن به هدف یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی (در حرفه های شغلی و زندگی شخصی) به وجود می آورد تا بتوانند موفقیت لازم را در امر یادگیری و تحصیل علم و معرفت کسب نمایند (Mogaddam, 2012; Ajam et al., 2011; Taheri & Fayyazi, 2007). بنابر چنین جایگاه و اهمیتی، واکاوی، ارزیابی و کشف ادراکات و انتظارات دانشجویان از کسب علم و دانش و بررسی و شناسایی انگیزه و رفتار تخصیص منابع آنان به ادامه تحصیل در آموزش عالی، به عنوان قشر آگاه و روشن فکر جامعه، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. چرا که آگاهی از علایق، ادراکات، انتظارات، انگیزه ها و گرایش افراد به دانش اندوزی و ادامه تحصیل در دانشگاه برای مسئولین جامعه، دانشگاه و اندیشمندان از اهمیت والایی برخوردار است. باتوجه به نقش اساسی انگیزه های تحصیلی و تصمیمات آموزشی دانشجویان در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های درست و دقیق آموزشی، بررسی و واکاوی این مقوله همواره از مباحث مهم برنامه ریزان آموزشی بوده و این مسئله از گذشته تا

⁴. Schultz

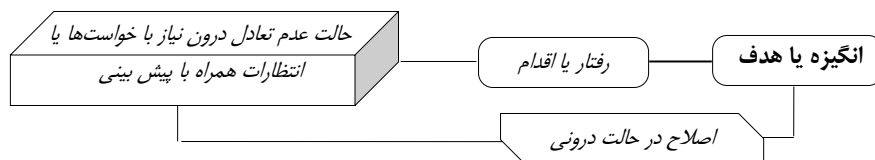
⁵. Becker

^۶. که در ادبیات اقتصاد آموزش انگیزش نوع اول را «مصرف خدمات آموزش عالی با جنبه مصرفی بودن آموزش»، انگیزه نوع دوم را نوعی سرمایه گذاری اجتماعی و فرهنگی و انگیزش سوم را «سرمایه گذاری در سرمایه انسانی یا همان جنبه سرمایه ای بودن آموزش» می نامند

بحال مورد توجه و عنایت برنامه‌ریزان و پژوهشگران حوزه‌های علوم مختلف قرار گرفته است. لذا باتوجه به محوریت یادگیرندگان در امر آموزش عالی طبیعی است که هر کوششی که در زمینه درک بهتر انگیزه‌های رفتاری و عکس العمل‌های آنان انجام شود، منجر به بهتر اداره کردن امور خواهد شد (Ramazani et al., 2010). هر چند پژوهش‌های متعددی در حوزه‌های مختلف در ارتباط با انگیزه تحصیلی دانشجویان در سطوح و رشته‌های مختلف تحصیلی انجام شده است. اما کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که در آن به تمام ابعاد و جنبه‌های انگیزه تحصیلی دانشجویان (اقتصادی و غیر اقتصادی/ اجتماعی انگیزه و ...) و با رویکرد میان‌رشته‌ای توجه داشته باشد. در همین راستا و نظر به اهمیت و نقش تصمیمات آموزشی افراد و انگیزه آنان جهت تخصیص منابع مالی و زمانی به آموزش و ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، پژوهش حاضر در صدد است با بررسی جامع از همه ابعاد و جنبه‌های انگیزه‌های تحصیلی دانشجویان به بررسی رفتار و تصمیمات و انگیزه‌های دانشجویان به ادامه تحصیل در آموزش عالی بپردازد.

ادبیات و مبانی نظری

علم روان‌شناسی تفاوت در رفتارها و فعالیت‌های انسان را در اختلاف دو عامل زیر می‌داند: (۱) توانایی؛ (۲) انگیزه، برای اینکه رفتاری از یک فرد سر بزند باید اولاً استعداد و توانایی آن را داشته باشد، ثانیاً انجام آن رفتار را بخواهد مثلاً دانشجویی که وارد دانشگاه می‌شود نه تنها باید از استعدادها و آمادگی تحصیلی در رشته انتخابی خود برخوردار باشد، بلکه باید عواملی چون رقابت، کسب شهرت، درآمد بیشتر شغلی، تاکید خانواده و ... را به تحصیل در آن رشته برانگیخته باشد (Brahani, 2008). انگیزه^۷ به معنای کشش، رغبت، یا تمایلی در فرد است که وی را به انجام کار در جهت هدف وادار می‌سازد (Alvani, 2004). لذا انگیزه علل فعالیت هدفمند و دلایل رفتار تصمیم‌گیران (Shakibaei et al., 2005)، و هدایت آن‌ها برای رسیدن به اهداف (Bacanl & Sahinkaya, 2010)، و در نتیجه از شاهراه اصلی در ادامه تحصیل افراد در آموزش عالی محسوب می‌شود (Rush, 2010; Salehi et al., 2004). انگیزه تحصیلی دانشجویان و ورود به دوره‌های آموزش عالی به علت تصمیم‌گیری‌های افراد جامعه اشاره دارد که خواهان راه یافتن و ادامه تحصیل در دوره‌های آموزش عالی هستند. براین اساس، انگیزه تحصیلی به نیازها و عواملی گفته می‌شود که باعث حضور یک فرد در محیط آموزشی و کسب یک مدرک تحصیلی می‌گردد (Clark & Schrother, 2010). یا به عبارتی انگیزه و تقاضای افراد برای ادامه تحصیل در آموزش عالی، براساس رجحان‌ها و انتظاراتی است که آنها در ذهن خود پرورانده و تحت تاثیر محیط تکامل یافته است (Emadzadeh, 1998; Arasteh et al., 2011). بنابراین، انگیزه یکی از عامل اصلی و تعیین‌کننده در تبیین فعالیت‌ها و رفتار افراد، از جمله تصمیم به ادامه تحصیل در مقاطع و رشته‌های علمی مختلف در آموزش عالی محسوب می‌شود. چنانچه دانشجو از انگیزه کافی برای تحصیل در رشته‌ای برخوردار نباشد، مسلماً نمی‌تواند اهداف خود را دنبال کرده و در نتیجه عوارضی چون سرخوردگی، عدم رغبت به آموزش و افت تحصیلی بوجود خواهد آمد.



شکل ۱: مدل عمومی انگیزه

بنابراین، نظریه فرضی مدل نشان می‌دهد که افراد مختلف با توانایی‌های متفاوت دارای نیازها، خواسته‌ها و انتظارات (انگیزه) متفاوتی برای ادامه تحصیل در مقاطع و رشته‌های مختلف آموزش عالی می‌باشند. سوالی که مطرح است این است چرا افراد به آموزش عالی روی آوردند؟ انگیزه آنها از ادامه تحصیل در آموزش عالی و اختصاص منابع به آموزش چیست؟ قطعاً با توجه خصوصیات فردی، خانودگی، محیطی افراد، تصمیم‌گیران با علاقه و انگیزه‌های متفاوت و گوناگونی به سرمایه‌گذاری آموزشی در خود و ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌پردازند که طبیعتاً ترتیب و تقدم آن در همه یکسان نیست (Gangi, 2004). لذا دلایل و عوامل متعددی برای ورود جوانان به آموزش عالی وجود دارد، براساس تحلیل‌های نظری سرمایه‌گذاری انسانی، آموزش باعث باروری و شکوفایی اندیشه و به تبع آن موجب منافع آتی نظیر افزایش درآمد و دستیابی به فرصت‌های شغلی بیشتر و بالاتری و کسب شغل بهتر می‌شود، اما این هدف دربرگیرنده همه‌ی ابعاد اهمیت ادامه تحصیل نیست. علاوه بر بعد اقتصادی قضیه، تحولات پیچیده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس‌های جهانی و بومی هم‌چون اعتبار و موقعیت اجتماعی بالاتر و به دنبال آن مشاکت سیاسی، در ایجاد این خواست همگانی تاثیر فراوان دارند (Liaqatdar et al., 2007). چراکه امروزه مشاغل و حرفه‌ها تخصصی شده‌اند و ورود موفقیت‌آمیز به ساده‌ترین آنها مستلزم آموزش است. آموزش و تحصیل مجرای مهم اندوختن مهارت‌ها و صلاحیت‌هایی شده است که برای دستیابی به درآمدی خوب و شغلی مطمئن مورد نیاز است (Mohammadi Rozbahani & Taremi, 2005). هم‌چنین اخذ مدرک تحصیلی و سرمایه‌گذاری در آموزش عالی، هم از دیدگاه فردی و هم از منظر اجتماعی یک سرمایه‌گذاری پرمفعت است، زیرا در مقابل هزینه‌های انجام شده، فایده‌های نقدی و غیرنقدی قابل توجهی را بوجود می‌آورد، تحصیل در آموزش عالی از منظر فرد باعث تحرک اجتماعی و افزایش احتمال حرکت از طبقه اجتماعی پایین‌تر به طبقه اجتماعی بالاتر، افزایش درآمد، افزایش اشتغال پذیری تحصیل کرده‌ها، بهبود موقعیت اجتماعی- سیاسی، منافع مصرفی، بهکرد الگوی مصرفی، بهبود سلامت و بهداشت افراد، فرصت بهتر شغلی و شرایط کاری بهتر، موفقیت بالاتر اجتماعی و سلامتی بهتر و امید به زندگی بالاتر، رضایت شغلی بیشتر، هزینه کردن آگاهانه‌تر (تصمیمات مالی بهتر و مصرف بهینه منابع)، اوقات فراغت ارزشمندتر، تحول در ذائقه و رجحان‌های شخصی، تحرک شخصی و حرفه‌ای بیشتر؛ و ... و از منظر اقتصادی نیز موجب بهبود رشد اقتصادی، مناسب‌تر شدن توزیع درآمد، درآمدهای مالیاتی بیشتر، و بهره‌وری ملی بالاتر، توسعه فعالیت‌ها و فرصت‌های شغلی، از منظر اجتماعی نیز مهار رشد جمعیت، توسعه و مشارکت سیاسی (رشد و جامعه‌پذیری سیاسی افراد) و مهار جرایم و خلاف‌های اجتماعی، ارتقای سطح سلامت و بهداشت جامعه، انسجام و همبستگی اجتماعی بیشتر و افزایش مشارکت اجتماعی فرهنگی، اهمیت دادن به تنوع و تفاوت‌های اجتماعی و میراث فرهنگی، تحرک اجتماعی بالاتر و مشارکت اجتماعی و سیاسی بیشتر، و نرخ پایین‌تر جرائم، ظرفیت بیشتر برای تطبیق یافتن به فناوریهای نوین، نیازهای رشد، مقبولیت اجتماعی و فیزیولوژیک و ... می‌شود (Alvani, 2004; Naderi, 2004; Yamini, 2009; Keikha, 2018).

به‌طور کلی انگیزه‌های افراد برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و کسب تحصیلات عالی را می‌توان به سه دسته کلی: (۱) انگیزه‌های اقتصادی؛ (۲) انگیزه علمی- تحصیلی؛ و (۳) سیاسی و اجتماعی تقسیم نمود که تقاضای افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

یکی از انگیزه‌های موثر در تمایل افراد به ادامه تحصیل در آموزش عالی و کسب تحصیلات عالی، انگیزه‌های اقتصادی، بصورت افزایش درآمد، بازده آموزش، تصدی شغل مناسب، رضایت خاطر ناشی از برخورداری از علم و دانش، بهینه‌تر شدن رفتار تخصیص منابع، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه و ... است. انگیزه‌های اقتصادی از ناحیه سایر حوزه‌ها، یعنی کسب رضایت خاطر نیز جالب توجه است؛ آموزش دست کم از دو منظر، یکی تصدی شغل مورد علاقه و دیگری مطلوبیت ناشی از کسب دانایی (یعنی شناخت و معرفت بیشتر از محیط و پدیده‌های اطراف)، رضایت خاطر برای افراد ایجاد می‌کند. بدون شک، آموزش و تحصیلات وسیله یا مسیر مطمئنی برای تصدی مشاغل مورد علاقه است که از آن طریق رضایت شغلی افراد را فراهم می‌نماید.

بنابراین، از منظر مبانی علم اقتصاد آموزش، منافع مترتب بر آموزش (نگاه سرمایه‌ای و اقتصادی) و کسب رضایت خاطر و مطلوبیت (نگاه مصرفی و غیر اقتصادی) به همراه نقش‌آفرینی مستقیم آموزش در ارتقای کیفیت زندگی (با نگاه مصرفی و اجتماعی- فرهنگی) (Naderi, 2009)، از انگیزه‌ها و دلایل اصلی متقاضیان در جهت ادامه تحصیل در مقاطع و رشته‌های گوناگون آموزش عالی است. براساس پژوهشی که در سال ۱۹۹۹ در همین زمینه درباره داوطلبان آموزش عالی آمریکا به عمل آمده است، نیز بیانگر این است که تصمیم‌گیری آن‌ها بیشتر تصمیمی اقتصادی است و اهداف شغلی بیشترین انگیزه داوطلبان آمریکایی را تشکیل می‌دهد (Javedani, 2012).

انگیزه‌های علمی و تحصیلی از دیگر علل دانشجویان به کسب تحصیلات عالیه می‌باشد چرا که آموزش و کسب تحصیلات عالیه سبب ارتقای سطح شناخت و معرفت افراد از محیط و پدیده‌های اطراف خود (عم از مسائل و پدیده‌های انسانی- اجتماعی یا طبیعی) می‌شود. به لحاظ اینکه انسان اساساً جستجوگر و کنجکاو است و آموزش حس جستجوگری و کنجکاوی وی را تقویت و ثمربخش می‌کند، می‌تواند رضایت خاطر و مطلوبیت قابل توجهی برای افراد ایجاد کند (Naderi, 2009). در بسیاری از جوامع کنونی ادامه تحصیل و کسب تحصیلات بالاتر به‌خصوص در سطح و دوره‌های بالای آموزش عالی به‌طور بالقوه برای فرد متقاضی منزلت و اعتبار اجتماعی (پرستیژ اجتماعی در جامعه و محبوبیت خانوادگی) را به همراه دارد (Koen, 2007). از دیگر انگیزه‌های افراد جهت ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌توان به انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی اشاره نمود. زیرا از نظر فرهنگی- اجتماعی، آموزش و کسب تحصیلات عالیه و به تبع آن افراد تحصیل کرده، در جامعه از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردارند. البته این جایگاه در بین جوامع مختلف یکسان نیست؛ آموزش و به‌طور کلی کسب معرفت، در برخی جوامع بسیار ارزشمند و دارای منزلت ویژه‌ای است. بنابراین هر چقدر جایگاه آموزش در یک جامعه بالاتر باشد، تمایل و تقاضا برای آموزش و کسب مهارت و تخصص نیز بالا خواهد بود. برای مثال در ایران اسلامی که آموزش هم از نظر تاریخی و هم از نظر مذهبی دارای منزلت و ارزش خاصی است، تمایل به کسب دانش و معرفت نیز در حد بالایی قرار دارد. همین عوامل باعث تمایل و انگیزه‌های افراد به ادامه تحصیل خواهد شد چراکه کسب تحصیلات عالیه موجبات ارتقای سطح مشارکت سیاسی، افزایش توانمندی برای ابراز عقیده در محیط و شرایط اجتماعی، استفاده بهتر از ابزار و فناوری زندگی روزمره را فراهم خواهد نمود (Naderi, 2009). به همین خاطر افراد با تحصیلات عالی از آگاهی سیاسی و اجتماعی بالاتری برخوردار خواهند شد و در تصمیم‌گیری‌های کشور خود آگاهانه عمل می‌کند و دارای منزلت و پایگاه اجتماعی و خانوادگی بالاتری در جامعه برخوردار خواهند شد.

افزون بر این موضوعات جهانی، مسائل متنوع دیگری در مقیاس‌های بومی مطرح هستند که می‌توان از تغییرات جمعیت‌شناختی، الگوی توسعه، تحول ارزشهای اجتماعی و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها نام برد که نظر محققان را به خود جلب کرده است. بنابراین، با در نظر گرفتن پیچیدگی‌های فرایند تصمیم‌گیری آموزشی، و انگیزه افراد جهت ادامه تحصیل در آموزش عالی مشخص می‌شود که بسیاری از عوامل می‌تواند بر تصمیمات و انگیزه‌های دانشجویان تاثیر داشته باشد که جنبه‌های مالی (اقتصادی) و غیر مالی (غیر اقتصادی- فواید اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ...) مجموعه‌ای از آنها به شمار می‌روند.

نظریه‌ها

همانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، تحقیق درباره انگیزه دانشجویان و تحصیل در رشته‌ای خاص در دانشگاه دارای فرضیه- های بسیاری است و بر دیدگاه‌های تئوریک متعددی تکیه دارد و هر یک از آن‌ها سعی در تبیین، توضیح و تحلیل رفتار و

تصمیمات افراد به تخصیص منابع در آموزش و انگیزه‌های آنان به ادامه تحصیل در آموزش عالی دارند.^۸ باتوجه به مبانی نظری، انگیزه دانشجویان به ادامه تحصیل در آموزش عالی در طیفی از انگیزه‌های اقتصادی (منافع مالی) تا انگیزه غیر اقتصادی- (منافع غیر اقتصادی- اجتماعی- سیاسی و ...) قرار دارد. در همین راستا، نظریات تبیین کننده در این حوزه را می‌توان به دو دسته عمده شامل نظریات اقتصادی (نظریه عمومی قیمت و نظریه سرمایه انسانی- بعد مصرف و بعد سرمایه‌گذاری) و نظریات اجتماعی (نظریه سرمایه اجتماعی)^۹ تقسیم بندی نمود.^{۱۰}

در نظریه عمومی قیمت، اقتصاددانان مطالعه درباره چگونگی انتخاب افراد را از زاویه‌ای که منافع آنها را به حداکثر برساند، انجام می‌دهند (Samuelson, 1980). آموزش به عنوان افزایش مهارت افراد، دانش و ادراک آنها و همچنین، ایجاد اشتغال و درآمد است و از این رو، از نظر اقتصادی آن را می‌توان به عنوان مطلوبیت در نظر گرفت (Finnie, 2004). در این نظریه، آموزش برای افراد دو نوع مزایا دارد: ۱) در کوتاه مدت به طور مستقیم تامین کننده خواست‌های ویژه دانشجویان مانند کنجکاو و لذت یادگیری و دانش است؛ ۲) در طولانی مدت، به وجود آورنده منفعت از افزایش درآمدها، افزایش طول عمر، کاهش احتمال بیکاری، شان اجتماعی بالاتر و رضایت‌مندی شغلی بیشتر است (Bowen, 1997). اما، برخی از پژوهشگران (Rothschild & White, 1995; Vossensteyn & Canton, 2001) معتقدند که نظریه عمومی قیمت توضیح‌دهنده چرایی تفاوت گروه‌های با زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی متفاوت نیست. می‌توان نتیجه گرفت که تصمیمات آموزشی بسیار پیچیده‌تر از خرید یک کالا است و بنابراین، ممکن است نیازمند رویه‌های نظری متفاوتی باشد (Naveh Ebrahim & Azizi Shamami, 2012). به طور کلی، از منظر اقتصاد، به ویژه اقتصاد آموزش تقاضای افراد برای آموزش عالی مانند هر کالا یا خدمت دیگر نشأت گرفته از دو بعد قدرت خرید متقاضی و مطلوبیت یا منافع حاصل از مصرف آن است. لذا نظریه‌های بسط یافته برای توضیح این رفتار تقاضا در دو محور اساسی شکل گرفته‌اند: بعد مصرفی (نظریه کلاسیک‌ها و نووکلاسیک‌ها) و بعد سرمایه‌گذاری (نظریه سرمایه انسانی) (Gharoun, 2002).

منظر اقتصاد آموزش عالی، آموزش عالی هم دارای ویژگی یک کالای مصرفی است و هم ماهیت سرمایه‌گذاری دارد. در بعد مصرفی انگیزه‌های افراد، بهره‌گیری از تحصیلات، کسب علم و دستیابی به مطلوبیت (افزایش منزلت و اعتبار و پرستیز علمی، فرهنگی؛ اجتماعی، سیاسی و ...) قابل طرح است که با استفاده از نظریه استاندارد کلاسیک در مورد رفتار مصرف کننده الگوسازی می‌شود. براساس این نظریه، مصرف کننده، بسته‌ای از کالاها و خدمات را بر اساس دستیابی فرد به بالاترین مطلوبیت ممکن با توجه به قید بودجه، تقاضا می‌کند. در این نظریه، تقاضا برای آموزش عالی تابع تغییرات درآمد فرد و قیمت خدمات آموزش عالی است که جهت تابعیت به ترتیب مثبت و منفی است (Campbell & Sigel, 1967; Hight, 1975; Christensen, Sandra, et.al, 1975; Shiri & Nooroulhlai, 2012).

این یک واقعیت انکارناپذیر و اصلی بدیهی و موضوعی علمی و فنی است که تمام تصمیم‌گیران و تخصیص‌دهندگان منابع برای تعیین اولویت‌های خود پیش از هر چیز، از منطق و مبانی تحلیل هزینه و فایده استفاده می‌کنند، و براساس آن، زمینه‌هایی که دارای منفعت خالص بیشتری هستند را در اولویت قرار می‌دهد. براین اساس، مبانی نظری متناسب با چنین رفتاری، نظریه سرمایه انسانی است که از اوایل دهه ۱۹۶۰ با سخنرانی افتتاحیه شولتز در انجمن اقتصاددانان آمریکا وارد جریان اصلی ادبیات

^۸ نظریه‌ها در حوزه تصمیمات آموزشی به صورت کاملاً انتزاعی واقعیت‌های مربوط به رفتار و تصمیمات افراد را تبیین و واکاوی کرده و توضیحات نظری در رابطه با انگیزه، علل و عوامل تخصیص منابع توسط عاملان را به آموزش ارائه می‌دهد.

^۹ Social Capital

^{۱۰} البته در کنار این دو نظریه، نظریاتی مانند نظریه گزینش/انتخاب عقلایی (Rational choice theory) و نظریه تصمیم (Decision Theory) نیز تا حدودی تبیین کننده رفتار و تصمیمات انسانها هستند اما به دلیل داشتن نقاط مشترک با نظریه سرمایه انسانی (نظریه اقتصادی) و سرمایه اجتماعی (نظریه غیر اقتصادی) به طور کلی محور عمده بحث نظریه‌ها به این دو نظریه اختصاص یافت. برای کسب اطلاعات بیشتر و تفصیلی‌تر ر. ک. به: گیلائی‌نیا و شریف، ۱۳۸۹

اقتصاد شد^{۱۱}. بر اساس نظریه‌ی سرمایه انسانی^{۱۲} آموزش عالی یک کالای سرمایه‌ای^{۱۳} تلقی گردید. در این نظریه، تحصیلات بیشتر و هر نوع مهارت و آموزش، قابلیت و ظرفیتی را در فرد ایجاد می‌کند که می‌تواند جریان درآمد بیشتر در آینده برای خود ایجاد نماید. لذا هزینه‌ای که برای کسب این آموزش یا مهارت متحمل می‌شود در واقع نوعی سرمایه‌گذاری^{۱۴} است (Gharoun, 2002; Shiri & Noorouhlai, 2012).

مضمون و پیام اصلی نظریه سرمایه انسانی بر این نکته متمرکز است که افراد برای گذراندن اوقات فراغت و تفریح به آموزش نمی‌پردازند بلکه آنها به‌طور عقلایی و با هدف برخورداری از نتایج مادی و با هدف برخورداری از نتایج مادی و غیرمادی آتی آموزش، اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند، بنابراین منافع آتی، توجیه‌کننده اقدام‌های فعلی است که به نوعی چشم‌پوشی از مصرف زمان حال است (Naderi, 2001). در واقع سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی منجر به افزایش ظرفیت‌های مولد و بهره‌ور^{۱۵} افراد و در نتیجه افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی جامعه می‌شود و افزایش ظرفیت‌های مولد انسان، دریافتی وی را زیاد می‌کند. بر مبنای نظریه سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری بر روی منابع انسانی دارای دو ویژگی اساسی است: نخست اینکه سرمایه‌گذاری انسانی ظرفیت‌های مواد افراد را افزایش داده؛ و دوم اینکه افراد به منظور منافع آتی سرمایه‌گذاری انسانی انجام می‌دهند (Naderi, 2015). به این ترتیب آنها منافع حال را برای کسب منافع در آینده به ارتقای ظرفیت‌های مولد یا توسعه سرمایه انسانی اختصاص می‌دهند. این نکته در واقع هسته و قاعده‌ی اصلی برای تبیین رفتار عاملان و تصمیم‌گیران به آموزش است^{۱۶} (Naderi, 2009). بنابراین، فردی که آموزش بیشتری دریافت کند، دارای مهارت و بهره‌وری بالایی می‌شود و از این رو، بهره‌وری تا حد زیادی تعیین‌کننده غرامت مالی است و به‌طور قطع آموزش می‌تواند موجب افزایش درآمد در بازار کار آتی باشد (Barr, 2004). از نگاه سرمایه انسانی، تفاوت در دریافتی افراد به دلیل تفاوت در کیفیت نیروی کار به معنی میزان انباشت سرمایه انسانی بیشتر است که از مسیر آموزش بدست آمده است. پیامد سرمایه‌گذاری آموزشی در سطح فردی افزایش درآمد (Rameshi et al., 2013) و در سطح کلان رشد اقتصادی جامعه است. البته نتایج پژوهش‌های داخلی (Asadbagi et al., 2012) و یافته‌های ساخاروپولوس^{۱۷} نیز مؤند انگیزه‌های اقتصادی برای تحصیل است.

در تعاریف گسترده‌تر سرمایه انسانی، منافع ناشی از این سرمایه‌گذاری، نه فقط جریان درآمد آتی، بلکه مواردی مثل عاقلانه‌تر مصرف کردن درآمدها و مطلوبیت‌های غیرمادی را نیز شامل می‌شود. الگوی تقاضای آموزش عالی در این نظریه، به رغم اهمیت سایر عوامل، بیش از هر چیز تحت تاثیر بازده اقتصادی آن است. این نکته اهمیت و تاثیر شرایط بازار کار بر این تصمیم‌گیری و ارتباط تنگاتنگ بازار نیروی کار نیروی تحصیل کرده دانشگاهی با تقاضای آموزش عالی را نشان می‌دهد (Gharoun, 2002). بنابراین، فرضیه اصلی الگوی تصمیم‌گیری خردورانه که نظریه‌پردازان سرمایه انسانی آن را ارائه کرده‌اند بر این مبناست که افراد نسبت به این سرمایه‌گذاری‌ها حساس هستند، چرا که دانشجویان به‌صورت آشکار محاسبه می‌کنند که آیا ورود به تحصیلات

۱۱. اولین کاربرد جدی مفهوم سرمایه انسانی به ویلیام پتی، نخستین آمارگیر و حسابدار ملی نسبت داده می‌شود اما آدام اسمیت اولین کسی بود که آن را در مسیر اصلی خود قرار داد و تا اینکه عزم جدی و نظام‌مند در این زمینه در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ همزمان با سخنرانی شولتز در انجمن اقتصاددانان آمریکا مطرح شد. برای کسب اطلاعات بیشتر ر. ک. به: Barr, 2004; Psacharopoulos, 1987; Schultz, 1961; Becker, 1964.

۱۲. Human Capital

۱۳. Capital Goods

۱۴. Investment

۱۵. Productive Capacities

۱۶. علاوه بر نظریه سرمایه انسانی، قواعد نظری دیگری (مانند نظریه‌های سرند، فیلتر و علامت دهنده) نیز از سوی صاحب‌نظران ارائه شده که رفتار تخصیص دهندگان منابع را تبیین می‌کنند (ر. ک. برای نمونه به: نادری، ۱۳۸۳: ۴۷-۵۲). از نظر اینکه نظریه سرمایه انسانی جامعیت و شمولیت بیشتری دارد، و مرتبط با پژوهش حاضر است، این نظریه به عنوان نظریه غالب در تبیین رفتار تخصیص منابع عاملان به کار گرفته شده است.

۱۷. Psacharopoulos & Woodhall

عالی‌تر، در مقایسه با منافع مورد انتظار^{۱۸} با هزینه‌های مورد انتظار در سرمایه‌گذاری در تحصیلات عالی‌تر، ارزش چنین سرمایه‌گذاری‌هایی را دارد یا خیر؟ (Javedani, 2012). بنابراین، همراه با توسعه نظریه سرمایه انسانی، آموزش در شمایل یک سرمایه‌گذاری کالایی در نظر گرفته شد. امروزه، دانشجویان برای کسب پاداش‌های آتی، زمان و پول خود را صرف آموزش و دانش‌اندوزی در زمینه‌های مختلف علمی می‌نمایند و به نوعی در خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. فرضیه اصلی در این ارتباط این است که آموزش باعث می‌شود تا دانشجویان به کارگران قابل‌تری تبدیل شوند. این امر به پتانسیلی برای کسب درآمدهای بالاتر مادام‌العمر تبدیل خواهد شد. با معرفی این اصل، رویکرد سرمایه انسانی به میزان زیادی در توضیح تقاضا برای آموزش را تعیین می‌کنند.

از منظر جامعه‌شناسی آموزش^{۱۹}، آموزش و تحصیلات عالیه دارای کارکردها و بازده مختلفی نظیر جامعه‌پذیر کردن افراد، آماده کردن افراد تحت آموزش برای ایفای نقش در جامعه بزرگسالان (کسب شایستگی اجتماعی)؛ نقش آموزش به عنوان وسیله سرند و غربال کردن برای ایفای نقش اجتماعی‌شان؛ آموزش و تحرک اجتماعی و بین‌نسلی؛ نقش آموزش در کاهش نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی؛ مشارکت جوانان در امور اجتماعی، فراهم کردن زمینه جامعه مردم سالار و ... و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی^{۲۰} در افراد می‌باشد. مفهوم سرمایه اجتماعی که به تازگی و به‌طور گسترده‌ای بوسیله محققان علوم اجتماعی در تشریح پدیده‌های اجتماعی گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است. به اعتقاد آنان، سرمایه اجتماعی بر پدیده‌های اجتماعی یا مباحث سیاسی مانند توسعه اقتصادی، مشارکت در انتخابات، آموزش حکومت‌داری، شهروندی دموکراتیک و اعتماد به نهادهای سیاسی تاثیر می‌گذارد (Lee, 2008).

به اعتقاد بورديو سرمایه اقتصادی قابل تبدیل به سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین (پرستیژ و یا افتخار اجتماعی) است. به همین خاطر افراد با ادامه تحصیل دانشگاهی، سرمایه اقتصادی خود را به سرمایه فرهنگی یا نمادین برای کسب موقعیت و منزلت اجتماعی تبدیل می‌نمایند (Bourdieu, 1986). کلمن در مجموعه تحقیقاتی که درباره «اکتساب تحصیلات دانشگاهی در مناطق فقیر نشین آمریکا» انجام داد، نشان می‌دهد که «سرمایه اجتماعی» مختص توانمندان نیست (Coleman, 1998). بلکه برای گروه‌های فقیرتر هم می‌تواند مفید فایده واقع گردد. کلمن ثابت کرد که اجتماع منبعی از سرمایه‌های اجتماعی است که منبع الهام برای «متقاضیان ورود به تحصیلات دانشگاهی» بوده و تا حدودی آثار عدم دسترسی به منابع اقتصادی و اجتماعی خانواده را جبران می‌کند. به نظر کلمن افراد با توسعه (افزایش) تحصیلات دانشگاهی برای خود «کسب سرمایه اجتماعی» می‌کنند. و سرمایه اجتماعی نه تنها برای متقاضیان تحصیلات دانشگاهی، «کسب اعتبار اجتماعی» می‌کند، بلکه برای افزایش و توسعه «هویت فردی» در اجتماع (هویت اجتماعی) نیز، ارزشمند و مفید است (John, 2006). کلمن نیز، همانند بورديو به سرمایه اجتماعی می‌نگرد و آن را ناشی از کوشش‌های افراد، در تشریح ارتباطات فی‌مابین «نابرابری اجتماعی و توفیقات در تحصیلات دانشگاهی» در جامعه بالغ می‌داند. کلمن با ارائه نتایج مطالعه دانش‌آموزان در شیکاگو، نشان داد که در شکل‌گیری افکار دانش‌آموزان، تاثیرات والدین و دبیران بیشتر است. کلمن به این نتیجه رسید که اجتماع، منبعی از سرمایه اجتماعی است که تا حدودی آثار محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها را جبران می‌کند (Coleman, 1998).

18. Expected Benefits

۱۹. جامعه‌شناسی آموزش «تعلیم و تربیت» به عنوان یکی از حوزه‌های علمی موثر دو نقش مهم شناخت کارکرد اجتماعی نهادهای آموزشی و تعامل آنها با جامعه و کمک به توسعه آموزش و ارتقای اثربخشی آن را از طریق تاثیرگذاری بر سیاستگذاری‌های آموزشی را بر عهده دارد.

20. Social Capital

پیشینه تجربی پژوهش

مطالعه انتظارات، ادراکات، انگیزه‌ها و علایق دانشجویان از قدمت طولانی برخوردار است. امروزه نیز بنا به دلایلی نظیر روشن شدن نرخ بازده خصوصی آموزش، انگیزه و تمایل افراد به ادامه تحصیل در آموزش عالی در مقاطع و رشته‌های گوناگون علمی افزایش یافته است. در همین راستا، به دلیل نقش و اهمیت انگیزه، ادراکات، انتظارات افراد و تصمیم‌گیری‌های آموزشی دانشجویان در سیاستگذاری، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آموزشی، یا به عبارتی انگیزه تحصیلی افراد موضوع تحقیقات زیادی در سطح ملی و بین‌المللی زیادی بوده است. به عنوان نمونه فریمن (Freeman, 1971, 1976) در آمریکا و ویلیامز و گوردون (Williams & Gordon, 1981) در انگلستان در پژوهشی با استفاده از روش قبل از اجرا^{۲۱} انگیزه سرمایه‌گذاری انسانی را در دانشجویان (هنگام تحصیل و قبل از ورود به بازار کار) مورد بررسی و تحلیل قرار دادند. که نتایج این مطالعات «انگیزه‌های اقتصادی» و «منافع آتی» را به عنوان اساسی‌ترین هدف سرمایه‌گذاری از طریق آموزش مورد تایید قرار دادند. در جدول ذیل به برخی از یافته‌های مهم در این حوزه اشاره شده است.

جدول ۱: پیشینه تجربی و یافته‌های مرتبط

پژوهشگر/ان	سال	یافته‌های کلیدی
مطالعات بین‌المللی		
Aldosary & Assaf	1996	دسترسی به شغل، حقوق آینده، وضعیت اجتماعی و پرستیژ رشته، علاقه به رشته
Adams	1997	انگیزه‌های شغلی، تعامل با محیط تحصیلی
UNESCO	1998	بدست آوردن شغل
Anderson	1998	انگیزه منزلت اجتماعی ^{۲۲} و فرصت‌های شغلی ^{۲۳}
Delaney	1999	استفاده از محیط اجتماعی دانشگاه
Noland	1999	انگیزه اقتصادی و بدست آوردن شغل
Ministry of Science of Japan	1999	آموزش و تحقیق در رشته مورد علاقه و تخصص یابی در حرفه مورد نظر
Maxwell et al	2000	دستیابی به بهترین شغل و درآمد بالاتر، یادگیری بیشتر در زمینه‌های مورد علاقه، «رهایی از خانه، عدم توانایی یافتن کار در صورت نرفتن به دانشگاه
Giannelli & Monfardini	2000	درآمد مورد انتظار ناشی از سرمایه‌گذاری در تحصیلات دانشگاهی، افزایش بیکاری جوانان
Sissoko & Shiau	2000	رسیدن به موقعیت‌های شغلی بهتر در بازار کار، وجود بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان سطوح پایین تحصیلی، کسب درآمد بالاتر و ...
Maxwell, Cooper & Biggs	2000	بدست آوردن شغل مناسب و کسب درآمد بالاتر، کسب دانش و یادگیری در حیطه‌های مورد علاقه از طریق دانشگاه،
Davis et al	2001	بدست آوردن قابلیت‌های شهروندی و «مزایای شغلی

^{۲۱}. این روش بدین جهت به روش قبل از اجرا «Ex Ante» نام‌گذاری شده که افراد که افراد تحت مطالعه (دانشجویان)، هنوز بازار کار وارد کار نشده‌اند و لذا صرفاً انگیزه‌های خود را برای سرمایه‌گذاری انسانی در قالب انتظارات بیان می‌دارند. چنانچه وضعیت واقعی افراد بعد از اتمام تحصیل و به هنگام اشتغال مورد تحلیل قرار گیرد، روش بکاررفته به روش بعد از اجرا «Ex Post» معروف است.

^{۲۲}. Social Prestige

^{۲۳}. Career Opportunity

پژوهشگر/ان	سال	یافته‌های کلیدی
Canton	2001	سرمایه‌گذاری بلندمدت به معنی یافتن شغل‌هایی با درآمد بالا و اطمینان بیشتر
Green & Hill	2003	بهبود موقعیت‌های کاری و اشتغال، افزایش علم و دانش، کسب درآمد بالاتر و رسیدن به موفقیت مورد نظر والدین، پیداکردن همسر ایده‌آل و رسیدن به یک زندگی رضایت‌بخش، پدر خوب شدن، کسب علم و دانش
Sachman	2005	عوامل فردی منند: برخورداری از توانایی فکری و ذهنی، علاقه به ادامه تحصیل در دانشگاه، معدل تحصیلی و آینده‌نگری فرد. عوامل محیطی عبارت‌اند از: سابقه تحصیلی خانواده، فرایند پذیرش دانشجو در دانشگاه، وضعیت اشتغال در جامعه، کیفیت و کمیت علمی و آموزشی دانشگاه‌ها
Bone	2006	کسب درآمد بالاتر، میزان هزینه‌های تحصیل در دانشگاه، دستیابی به شغل مناسب‌تر و تشویق والدین نسبت به ادامه تحصیل فرزندان
Crook et al	2011	۱) بهره‌مندی از لذت آنی به سبب یادگیری و ارتقای نیکو زیستی «انگیزه مصرف خدمات آموزش عالی»؛ ۲) ارتقای جایگاه اجتماعی و سیاسی در آینده «انگیزه سرمایه‌گذاری اجتماعی»؛ ۳) کسب منافع اقتصادی بیشتر در آینده «انگیزه سرمایه‌گذاری اقتصادی و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی»
مطالعات ملی		
National Youth Organization	2001	کسب مدرک تحصیلی، دستیابی به شغل، کسب موقعیت اجتماعی و فشار خانواده و اطرافیان
Abdi & Danaei	2002	کسب موقعیت اجتماعی بالا، امکان پیدا کردن شغل و کسب درآمد
Zare Shah Abadi	2003	کسب منزلت اجتماعی بالاتر، کسب معلومات بالاتر و تقویت قوه تفکر و درک خود، کسب شغل بالاتر و کسب درآمد بالاتر
Mohammadi et al	2005	دستیابی به شغل بهتر و با درآمد بیشتر، کسب موقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی بهتر در جامعه و علاقه ذاتی به علم آموزی و کسب دانش
Mohammadi Rozbahani & Taremi	2005	منزلت اجتماعی، محیط اجتماعی دانشگاه، انگیزه شغلی، علاقه علمی و تحصیلی و راه حل موقت
Liaqatdar et al	2004	احزار شغل، کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی و علاقه به مشارکت سیاسی
Zamani	2008	کسب علم، ارتقای علمی برای خدمت بهتر به جامعه، ارزش‌های انسانی، مزایای مادی و شغلی، کسب ارزش‌های اجتماعی، فشارهای اجتماعی، خواست و فشار خانواده، فرار از سربازی و گریز از بیکاری
Arasteh et al	2011	عوامل فردی - روان‌شناختی مانند علاقه، خودپنداره تحصیلی بالا و کسب شناخت؛ عوامل خانوادگی مانند انتظار والدین مبنی بر افتخارآفرینی فرزندشان، اهمیت بالای درس‌خواندن برای خانواده و تمایل والدین؛ عوامل اجتماعی - فرهنگی، منزلت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، اهمیت دانشجو بودن در میان خویشاوندان و تاثیر دوستان؛ عوامل اقتصادی، یافتن شغل مناسب، کسب درآمد و تلقی کردن تحصیلات به‌عنوان سرمایه‌گذاری - عوامل آموزشی، رشته تحصیلی، تشویق معلمان و رقابت با همکلاسی‌ها

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از منظر روش‌شناسی توصیفی-پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان کارشناسی مشغول به تحصیل دانشگاه پیام نور شهرستان بابل بودند. تعداد ۳۵۵ نفر از دانشجویان (۱۵۵ نفر پسر و ۲۰۰ نفر دختر) که حداقل یک ترم تحصیلی را گذرانده بودند با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌های مربوط به انگیزه تحصیلی دانشجویان از پرسشنامه نگرش‌سنج محقق ساخته در دو بخش: بخش اول دارای ۱۰ سوال در مورد وضعیت دموگرافیک اعم از جنس، سن، معدل، تحصیلات والدین و ... و بخش دوم مشتمل بر ۴۵ سوال در طیف لیکرت بصورت ۵ گزینه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم در ارتباط با انگیزه تحصیلی دانشجویان (انگیزه اشتغال، انگیزه درآمد، انگیزه علمی-تحصیلی، انگیزه منزلت فردی، انگیزه منزلت خانوادگی، انگیزه مشارکت اجتماعی و انگیزه مشارکت سیاسی) طراحی شده است. در نمره دهی به پاسخ گزینه‌ها از مقیاس لیکرت استفاده شد، به‌طوری که پاسخ خیلی زیاد، نمره ۵ و پاسخ خیلی کم، نمره ۱ را به خود اختصاص داد و در نهایت پاسخ هر حیطه در بازه ۱ تا ۵ محاسبه گردید. در تعیین اعتبار ابزار از روش اعتبار محتوا و در تایید پایایی آن آزمون آلفای کرانباخ ($\alpha = 0.95$) استفاده گردید. پس از تایید نهایی، پرسشنامه توزیع و بلافاصله جمع‌آوری شدند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 16 در دو سطح آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی و درصد فراوانی و آمار استنباطی آزمون‌های تحلیلی از جمله آزمون یومن-وایت نی، آزمون t مستقل، آزمون کروسکال-والیس، تحلیل واریانس یکراهه (ANOVA)، تجزیه و تحلیل شدند.

یافته های پژوهش

یافته‌ها نشان داد که از مجموع ۳۵۵ نفر از پاسخگویان ۴۳/۷٪ را مردان و ۵۶/۳٪ را زنان تشکیل داده‌اند. بیشترین افراد شرکت کننده در این پژوهش در گروه سنی ۱۸ تا ۲۳ ساله بودند که ۴۱/۷٪ از دانشجویان را دانشجویان گروه علوم انسانی، ۳۰/۷٪ را دانشجویان گروه علوم پایه و ۲۶/۷٪ را دانشجویان گروه فنی و مهندسی تشکیل می‌دهند.

جدول ۲: وضعیت انگیزه تحصیلی دانشجویان گروه نمونه

انگیزه ها	میانگین	انحراف استاندارد	درصد
انگیزه اشتغال	۴/۲۰	۵/۰۶	۸۴٪
انگیزه درآمد	۳/۹۵	۲/۷۲	۷۹٪
انگیزه علمی-تحصیلی	۴/۲۹	۳/۷۱	۸۵٪
انگیزه منزلت فردی	۳/۷۴	۵/۵۹	۷۴/۸
انگیزه منزلت خانوادگی	۴/۱۷	۴/۸۰	۸۳/۴
انگیزه میل به مشارکت اجتماعی	۴/۰۰	۳/۷۶	۸۰٪
انگیزه میل به مشارکت سیاسی	۲/۵۵	۹/۹۲	۵۱٪

نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که انگیزه دانشجویان جهت ادامه تحصیل در آموزش عالی به ترتیب اولویت عبارتند از: انگیزه علمی - تحصیلی با میانگین ۴/۲۹ و (۸۵٪)، انگیزه اشتغال با میانگین ۴/۲۰ و (۸۴٪)، انگیزه منزلت خانوادگی با میانگین ۴/۱۷ و (۸۳/۴٪)، انگیزه میل به مشارکت اجتماعی ۴/۰۰ و (۸۰٪)، انگیزه درآمد ۳/۹۵ و (۷۹٪)، انگیزه منزلت فردی ۳/۷۴ و (۷۴/۸٪)، و انگیزه میل به مشارکت سیاسی ۲/۵۵ و (۵۱٪) بوده است. بنابراین انگیزه علمی-تحصیلی

(۸۵٪) در بالاترین سطح از انگیزه‌ها و از اولین و مهم‌ترین انگیزه و انگیزه میل به مشارکت سیاسی (۵۱٪) در پایین‌ترین سطح از انگیزه‌ها و جزء کم اهمیت‌ترین انگیزه دانشجویان به منظور ادامه تحصیل در آموزش عالی بوده است. به طور کلی، انگیزه دانشجویان در زمینه اشتغال، درآمد، علمی - تحصیلی، منزلت فردی، منزلت خانوادگی و مشارکت اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد، (بالاتر از میانگین «۳» می‌باشد) اما انگیزه سیاسی آنها بسیار پایین و کمرنگ می‌باشد. با توجه به نتایج بدست آمده انگیزه سیاسی تاثیر کمتری در تعیین رفتار و تصمیمات دانشجویان جهت ادامه تحصیل در دانشگاه دارد.

جدول ۳: آزمون یومن- وایت نی برای مقایسه انگیزه در بین دو جنس

انگیزه ها	جنسیت	تعداد	میانگین	Z مقدار	سطح معناداری
انگیزه اشتغال	پسر	۱۵۵	۱۶۷/۶۲	-۱/۶۸۵	۰/۰۹۲
	دختر	۲۰۰	۱۸۶/۰۵		
انگیزه درآمد	پسر	۱۵۵	۱۸۸/۳۸	-۱/۶۹۳	۰/۰۹۰
	دختر	۲۰۰	۱۶۹/۹۶		
انگیزه علمی - تحصیلی	پسر	۱۵۵	۱۶۰/۹۲	-۲/۷۷۸	۰/۰۰۵
	دختر	۲۰۰	۱۹۱/۲۴		
انگیزه منزلت فردی	پسر	۱۵۵	۱۷۲/۳۴	-۰/۹۱۶	۰/۳۵۹
	دختر	۲۰۰	۱۸۲/۳۹		
انگیزه منزلت خانوادگی	پسر	۱۵۵	۱۶۷/۲۰	-۱/۷۵۲	۰/۰۸۰
	دختر	۲۰۰	۱۸۶/۳۷		
انگیزه مشارکت اجتماعی	پسر	۱۵۵	۱۶۹/۶۵	-۱/۳۵۴	۰/۱۷۶
	دختر	۲۰۰	۱۸۴/۴۷		
انگیزه مشارکت سیاسی	پسر	۱۵۵	۱۹۳/۷۲	-۲/۵۴۲	۰/۰۱۱
	دختر	۲۰۰	۱۶۵/۵۲		

$$\alpha = 0.05 \quad (p \leq 0.05)$$

نتایج بدست آمده از آزمون یومن- وایت نی نشان می‌دهد که در سطح معناداری $\alpha = 0.05$ بین دختران و پسران از نظر انگیزه اشتغال، انگیزه درآمد، انگیزه منزلت فردی، انگیزه منزلت خانوادگی و انگیزه میل به مشارکت اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد و با ۹۵٪ اطمینان می‌توان گفت هر دو جنس انگیزه یکسانی برای ادامه تحصیل در آموزش عالی دارند. اما در انگیزه علمی - تحصیلی و انگیزه میل به مشارکت سیاسی بین دو جنس تفاوت معنادار است و با ۹۵٪ اطمینان می‌توان گفت که این انگیزه‌ها بین دو جنس متفاوت است و پسران انگیزه سیاسی بیشتری نسبت به دختران و دختران از انگیزه علمی - تحصیلی بیشتری نسبت به پسران برخوردارند و به طور کلی انگیزه سیاسی دانشجویان برای ادامه تحصیل در دانشگاه بسیار پایین و کمرنگ می‌باشد.

جدول ۴: آزمون کروسکال-والیس برای مقایسه انگیزه‌ها در بین گروه‌های آموزشی

انگیزه‌ها	گروه‌های آموزشی	تعداد	میانگین	درجه آزادی	Chi-Square مقدار	سطح معناداری
انگیزه اشتغال	علوم انسانی	۱۴۸	۱۷۳/۲۰	۲	۲/۶۰۷	۰/۲۷۲
	علوم پایه	۱۰۹	۱۷۱/۷۹			
	فنی مهندسی	۹۸	۱۹۲/۱۵			
انگیزه درآمد	علوم انسانی	۱۴۸	۱۷۸/۸۴	۲	۲/۶۶۰	۰/۲۶۴
	علوم پایه	۱۰۹	۱۶۶/۵۰			
	فنی و مهندسی	۹۸	۱۸۹/۵۲			
انگیزه علمی-تحصیلی	علوم انسانی	۱۴۸	۱۷۷/۹۹	۲	۰/۴۲۷	۰/۸۰۸
	علوم پایه	۱۰۹	۱۷۳/۶۲			
	فنی و مهندسی	۹۸	۱۸۲/۸۹			
انگیزه منزلت فردی	علوم انسانی	۱۴۸	۱۷۷/۲۷	۲	۰/۴۱۷	۰/۸۱۲
	علوم پایه	۱۰۹	۱۷۴/۲۳			
	فنی و مهندسی	۹۸	۱۸۳/۳۰			
انگیزه منزلت خانوادگی	علوم انسانی	۱۴۸	۱۷۱/۴۹	۲	۶/۳۴۵	۰/۰۴۲
	علوم پایه	۱۰۹	۱۶۶/۶۰			
	فنی و مهندسی	۹۸	۱۹۹/۸۴			
انگیزه مشارکت اجتماعی	علوم انسانی	۱۴۸	۱۷۵/۴۳	۲	۰/۵۰۰	۰/۷۷۹
	علوم پایه	۱۰۹	۱۷۵/۹۱			
	فنی و مهندسی	۹۸	۱۸۴/۲۰			
انگیزه مشارکت سیاسی	علوم انسانی	۱۴۸	۱۷۲/۸۳	۲	۱/۱۱۳	۰/۵۷۳
	علوم پایه	۱۰۹	۱۸۶/۳۲			
	فنی و مهندسی	۹۸	۱۷۶/۵۵			

 $\alpha = 0.05$ ($p \leq$)

مقایسه انگیزه تحصیلی در بین رشته‌های تحصیلی در جدول (۳) نشان داده شده است. نتایج حاصل از تحلیل واریانس کروسکال-والیس می‌دهد که در سطح معناداری $\alpha = 0.05$ تفاوت معناداری در بین رشته‌ها از لحاظ انگیزه اشتغال، انگیزه درآمد، انگیزه علمی-تحصیلی، انگیزه منزلت فردی، انگیزه مشارکت اجتماعی و انگیزه مشارکت سیاسی جهت ادامه تحصیل مشاهده نشده است چرا که سطح معناداری بالاتر از $\alpha = 0.05$ می‌باشد و با ۹۵٪ اطمینان می‌توان گفت تفاوت بارزی در بین گروه‌های آموزشی از نظر انگیزه‌های مزبور وجود ندارد. یعنی دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی در انگیزه نامبرده یکسان بودند. اما در انگیزه منزلت خانوادگی در بین گروه‌های آموزشی تفاوت معنادار بوده است.

بحث و نتیجه گیری

سرمایه‌گذاری در آموزش عالی یکی از اساسی‌ترین راه‌ها برای ارتقای سرمایه انسانی و اجتماعی در بشر و دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی خصوصاً توسعه پایدار در جامعه محسوب می‌شود. در همین راستا، طی دهه گذشته انگیزه افراد و تقاضای آنها برای کسب تحصیلات در آموزش عالی روند روبه‌رشدی داشته است. به همین علت نظام‌های آموزش عالی سعی کرده‌اند،

از طریق ارائه آموزش عالی خصوصی و نیز آموزش عالی از راه دور (پیام نور) تعداد دانشجویان بیشتری ثبت نام و پذیرش کرده و متقاضیان بیشتری را تحت پوشش قرار دهند. همین عامل باعث افزایش چشم گیر ورود دانشجویان برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شده است. اما سوال و مسئله اساسی پژوهش حاضر، دلایل و انگیزه‌های دانشجویان از ورود به دانشگاه می‌باشد؟ (چه هدفی را دنبال می‌کنند؟) یا به عبارتی ادراکات، انتظارات و نگرش‌های آنان از ادامه تحصیل در آموزش عالی بجای ورود به بازار کار چیست؟ دلایل و عوامل متعددی برای ورود دانشجویان به آموزش عالی وجود دارد، در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت در پژوهش حاضر مهم‌ترین انگیزه دانشجویان جهت تحصیل در دانشگاه به ترتیب الویت و اهمیت عبارت بود از:

(۱) انگیزه علمی- تحصیلی "مانند ارضاء حس جستجوگری و کنجکاوی‌های علمی، یادگیری بیشتر، علاقه ذاتی علمی و تحصیلی، افزایش دانش و متخصص شدن در زمینه‌های مورد علاقه و ..."، آموزش علاوه بر سرمایه‌ای بودن و دارای منافع سرمایه‌ای، دارای منافع مصرفی نیز می‌باشد که منافع مصرفی آموزش نیز دارای ابعاد و جنبه‌های مختلف و متعددی است که به‌خودی خود برای افراد ایجاد مطلوبیت و رضایت خاطر می‌کنند. پژوهشگرانی همچون (Sarzaim, 2007; Mohammadi, 2005; Japanese Government Policies in Education, Science, Sport and Culture, 2005; Rozbahani & Taremi, 2005; Maxwell, 2000; Sulafutokan and Ojogbinga, 2004; Harvey, 2005; Koen, 2007) و ... نیز در پژوهش خود انگیزه علمی- تحصیلی را به عنوان یکی از انگیزه‌های دانشجویان جهت ادامه تحصیل در آموزش عالی ذکر کردند.

(۲) انگیزه اشتغال "مانند الزام داشتن مدرک دانشگاهی برای اشتغال، کسب موقعیت شغلی بهتر، بدست آوردن فرصت شغلی بیشتر و ..."، ارتقای سطح آموزش، اشتغال‌پذیری افراد را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر افراد آموزش دیده و با تحصیلات بیشتر، کمتر در معرض بیکاری قرار دارند. هم‌چنین آموزش مناسب‌تر سبب می‌شود که افراد به مشاغل بهتر دست یابند. از هر دو جهت، موقعیت شغلی و به تبع آن درآمد و وضعیت اقتصادی افراد بهبود می‌یابد. در همین راستا، یکی از مهم‌ترین انگیزه دانشجویان از ادامه تحصیل در آموزش عالی بدست آوردن شغل است. به تعبیر گتجنس (Gaehtgens, 2003) رئیس کنفرانس مسائل مالی آموزش عالی، «دانشگاه‌ها با شغل‌ها گره خورده‌اند». یافته‌های پژوهش نیز موید این مسئله و همسو با نتایج پژوهش‌های (Mohammadi and Ghasemi, 1383; Mohammadi Rozbahani & Taremi, 2005; Seifari, 1385; Bakhshi Jahromi & Shahidi Zandi, 2008; Badiei, 1390; Julian Wisernik and Maria Kermakov, 1999; Maxwell et al, 2000; Canton & Venniker, 2001; Johnson & Riva, 2002; Sulafutokan and Ojogbinga, 2004; Harvey, 2005; Sang & Orazam, 2007; Koen, 2007) و ... بوده است.

(۳) انگیزه منزلت خانوادگی "نظیر جبران زحمات والدین؛ بدست آوردن اعتبار و منزلت خانوادگی و ..."، نتایج پژوهش حاضر نیز همسو با نتایج پژوهش‌های (National Youth Organization, 2001; Seifari, 1385; Gharoun, 1385; Delaney, 2004; Harvey, 2005; Kurtz & Linker, 2000; Sulafutokan & Ojogbinga, 2004) و ... بوده است.

(۴) انگیزه میل به مشارکت اجتماعی "هم‌چون خدمت به جامعه، تماس و ارتباط همیشگی با محیط علمی- فرهنگی، بودن با دوستان و ..."، موقعیت اجتماعی- سیاسی افراد مستقیماً متأثر از آموزش است. طبق نظریه مازلو؛ دانشجویان تمایل دارند با کسب اعتبار اجتماعی از طریق تحصیل در آموزش عالی، به نیاز احترام در سلسله مراتب مازلو پاسخ دهند. آموزش افراد را اجتماعی‌تر می‌نماید و مشارکت آنها را در تشکلهای اجتماعی و سیاسی بهبود می‌بخشد. به عبارت دیگر، بین سطح آموزش و تحصیلات افراد و موقعیت اجتماعی- سیاسی رابطه مستقیم وجود دارد. دستیابی به موقعیت اجتماعی سیاسی بهتر، می‌تواند به‌خودی خود برای افراد آموزش دیده رضایت خاطر ایجاد نماید. علاوه‌براین، موقعیت مناسب اجتماعی- سیاسی در ایجاد موقعیت اقتصادی مناسب تأثیر زیادی دارد و از همین ناحیه نیز درآمد و منافع اقتصادی افراد آموزش دیده متأثر می‌شود.

جامعه‌پذیری^{۲۴}، تحرک اجتماعی^{۲۵} و تحول فرهنگی از جمله کارکردهای مهم نظام آموزشی هستند که اساساً از مسیر آموزش محقق می‌شوند. حضور فعال در جوامع پیچیده امروزی مستلزم برخورداری از دانش، مهارت، نگرش، منش و توانمندی‌های ویژه است که فرایند آموزش رسمی به عنوان نظام‌مندترین شیوه برای این منظور ایجاد شده است. انتظار می‌رود افراد از طبقات و قشرهای مختلف بر حسب استعداد و شایستگی‌های واقعی وارد فرایند آموزش شوند و توانمندی‌های لازم را کسب و موقعیت‌های بایسته در هرم شغلی- اجتماعی- سیاسی جامعه را احراز کنند. بدین ترتیب، از این مسیر، تحرک اجتماعی و تحول فرهنگی محقق و انسان‌باوری تامین خواهد شد. با بالا رفتن سطح تحصیلات، فرد علاوه بر رضایت فردی از شخصیت خود و لذت از مطالعه و پژوهش نوعی اعتبار علمی و اجتماعی در جامعه برای فرد تحصیل کرده فراهم شده و به دنبال آن محبوبیت و تبار خانوادگی و همچنین به طور نسبی رفاه اقتصادی و مادی فراهم می‌شود. بنابراین کسب منزلت و جایگاه اجتماع به عنوان مهم‌ترین عامل اجتماعی - فرهنگی موثر در تصمیم‌گیری دانشجویان به ادامه تحصیل در آموزش عالی همسو با نتایج پژوهش‌های (Amoei, 1999; National Youth Organization, 2001; Bakhshi Jahromi & Shahidi Zandi, 2008; Mohammadi & Ghasemi, 1383; Mohammadi Rozbahani & Taremi, 2005; Seifari, 1385; Adams, 1997; Zare Shah Abadi, 2003; Liaqatdar et al. 2007, Zamani, 2008; Bailey, 2004; Kurtz & Linker, 2000) و ... می‌باشد.

۵) انگیزه درآمد "مانند درآمد بیشتر در آینده «منافع آینده تحصیلات» و ..."، از منظر افراد مهم‌ترین منفعت آموزش، افزایش درآمد می‌باشد. مبانی نظری و مشاهدات و مطالعات تجربی نیز گویای این مطلب است؛ که افراد آموزش دیده و با تحصیلات بالاتر از سطح درآمد بیشتری برخوردارند. چراکه آموزش تخصص و مهارت و به تبع آن ظرفیت مولد افراد را افزایش می‌دهد که این مساله مستقیماً دریافتی افراد ناشی از عرضه خدمات نیروی کارشان به بازار را ارتقا می‌بخشد. همچنین ارتقا سطح آموزش و تحصیلات رفتار تخصیص منابع افراد را عقلایی‌تر نموده که در نتیجه آن تخصیص منابع بین مصرف و سرمایه‌گذاری از یک سو و بین گزینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری از سوی دیگر بهتر شده و از این ناحیه نیز درآمد بیشتری نصیب افراد می‌گردد. نتایج بدست آمده از پژوهش نیز این مسئله را تایید می‌کند و همسو با نتایج پژوهش‌های (Menon, 1998, Amoei, 1999; Mohammadi & Ghasemi, 1383; Seifari, 1385; Sarzaim, 2007; Badiei et al., 1390; Maxwell et al, 2000; Ride, 2000; Giannelli & Monfardini, 2000; Zare Shah Abadi, 2003; Sissoko & Shiau, 2005; Sachman, 2007; Sang & Orazam, 2005) و ... می‌باشد.

۶) انگیزه منزلت فردی "مانند گرفتن مدرک تحصیلی، ارتقای پایگاه اجتماعی خود، افزایش پرستیژ اجتماعی و ... " نتایج پژوهش مزبور نیز همسو با نتایج پژوهش‌های (Amoei, 1999; Bakhshi Jahromi & Shahidi Zandi, 2008; Badiei et al., 1390; Maxwell et al, 2000; Ride, 2000; Giannelli & Monfardini, 2000; Zare Shah Abadi, 2003; Sissoko & Shiau, 2005; Sachman, 2007; Sang & Orazam, 2005) و ... بوده است.

۷) انگیزه میل به مشارکت سیاسی "نظیر شرکت فعالانه در تمام مراحل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات، فعالیت داوطلبانه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاستگذاری عمومی، مشارکت در انتخاب کردن و انتخاب شدن در همه سطوح ملی و فراملی، شرکت در احزاب و گروه‌های سیاسی، تشکیل حزب و دخالت در تصمیم‌گیریهای خرد و کلان سیاسی و" نتایج پژوهش نیز همسو با نتایج پژوهش (Shaditalab & Kamali 2002; Jokar, 2009) می‌باشد. که در پژوهش‌های آنان نیز انگیزه سیاسی نسبت به سایر انگیزه‌های تحصیلی نقش کمتری در ادامه تحصیل افراد در آموزش عالی داشته است.

²⁴ Sociability

²⁵ Social (Inter-generational) Movement

در انگیزه علمی- تحصیلی و انگیزه سیاسی تفاوت معناداری بین دانشجویان دختر و پسر وجود داشته است. دختران از انگیزه علمی- تحصیلی بیشتر و پسران از انگیزه سیاسی بیشتری نسبت به دختران برخوردار بودند. امروزه دلایل متعددی برای ورود دختران به آموزش عالی وجود دارد، بر اساس پژوهش‌های مختلف (Pedro et al., 1981; Baker & Velez, 1996; Velez, 2007; Green & Hill, 2003; Kingsbury, 2007; Bradley, 2003; Raymond & Johnson, 2003) زنان وارد دانشگاه می‌شوند تا شغل مناسبی پیدا کنند و شانس موفقیت خود را بالا ببرند. آنان بیش از مردان بخاطر مسائل شغلی و تحصیلی به آموزش عالی روی می‌آورند. برعکس عده‌ای از محققان (Schab, 1974; Bradley, 2000) انگیزه ورود دختران به آموزش عالی را به‌طور عمده موارد غیر شغلی از قبیل رشد فکری، کسب توانایی بیشتر در افزایش کیفیت تربیت فرزندان، بالارفتن آگاهی آنها در ارتباط با زندگی، داشتن سرگرمی، پیدا کردن همسر مناسب و یادگیری حرفه خاص را برای ورود به سیستم آموزش عالی عنوان می‌کنند. مقایسه و اولویت‌بندی‌ای که گرین و هیل (۲۰۰۳) بین انگیزه زنان و مردان انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که زنان بهبود شرایط کاری و شغلی را اولویت خود برای ورود به دانشگاه می‌دانستند و انگیزه‌های دیگری همچون افزایش معلومات، کسب درآمد، به دست آوردن موفقیت مورد نظر والدین، پیدا کردن همسر مناسب و داشتن یک زندگی متعادل در اولویت بعدی قرار داشت و در مقایسه مردان والد خوب بودن، استفاده از دانش و بستن عقد اخوت و پیمان برادری را مهم می‌دانستند. از نظر برادلی (Bradley, 2000) زنانی که توانایی فکری و ذهنی بالاتری دارند و می‌توانند آینده شغلی خود را پیش‌بینی کنند، گرایش بیشتری به ادامه تحصیل از خود نشان می‌دهند. تحقیق ریموند و جانسون نیز بر انگیزه کسب شغل بهتر به وسیله زنان متقاضی ورود به آموزش عالی تاکید می‌کند. همچنین، استانیک (۲۰۰۴) در پژوهشی خود، در بررسی تفاوت دختران و پسران در انتخاب رشته، به این نتیجه رسید که: دختران کمتر از پسران، موضوع کسب درآمد را در انتخاب رشته در نظر می‌گیرند.

بنابراین، نتایج پژوهش حاضر همسو و مطابق با الگوواره یافته‌های پژوهش‌های مشابه و تحلیل‌ها و انتظارات مبانی نظری بوده است. بدون شک، نتایج پژوهش مزبور می‌تواند نقش کلیدی در تبیین تصمیمات و تمایل گسترده افراد جهت ادامه تحصیل در آموزش عالی و همچنین اصلاح فرایند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی و ارتقای ارتباط بین آموزش و بازار کار داشته باشد.

پیشنهادهات

عوامل و انگیزه‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند، را می‌توان به‌عنوان یک پروژه ملی با جامعه آماری بزرگتر که قابلیت تعمیم ملی داشته باشد، مورد پژوهش قرار داد و از نتایج آن کشور را در سطح ملی بهره‌مند نمود، چرا که این انگیزه‌ها دارای جنبه فرهنگی و اجتماعی بوده و در بسیاری از برنامه‌های اجتماعی می‌تواند مورد بهره‌وری قرار گیرد. از این رو با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر و کمبود تحقیقات لازم در این زمینه پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در سطح وسیعتر در این زمینه در کشور صورت گیرد. از دیگر جنبه‌های پژوهش در این زمینه می‌توان به بررسی تطبیقی انگیزه تحصیلی در بین دانشجویان رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف و در بین انواع دانشگاه‌های کشور اعم از آزاد و سراسری و پیام نور و حتی بین رشته‌های مختلف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت و درمان و علوم پزشکی ذکر نمود تا بتوان به تصویر روشن‌تری از واقعیت در زمینه تصمیم‌گیری آموزشی افراد پی‌برده و میزان تاثیر عوامل مختلف را در چارچوب مدل‌های رگرسیونی تخمین زد.

بررسی رفتار تصمیمات تخصیص منابع و انگیزه دانشجویان به ادامه تحصیل در آموزش عالی

منابع

- [1] Abdi, F., & Danaei, Ck. (2002). Examining the Most Important Factors Affecting the Choice of Field in National Entrance Exam Candidates. A Collection of Articles of the Seminar on Entrance Issues to Isfahan universities. [In Persian]
- [2] Abedian, K., & Shah Hosseini, Z. (2012). Factors Influencing the Motivation of Nursing Students to Choose Their Field of Study (a cross-sectional study). *Family Health Quarterly*, Faculty of Medical Sciences, Islamic Azad University, Sari branch, 1(3), 26-32. [In Persian]
- [3] Adams, J.E. (1997). A study to Determine the Impact of a Precollege Intervention on Early Adolescent Aspiration and Motivation for Collage in west Virginia. Blacksburg, Virginia
- [4] Ajam, A.A., Jafari Thani, H., Mahram, B. & Ahanchian, M.R. (2012). Examining the Role of Academic Motivation and Computer Skills of Students in Their View of Blended Learning Approach. *A New Scientific-Research Quarterly in Educational Management*, 4(3), 63-82. [In Persian]
- [5] Alvani, M. (2004). *Management*. 22th Ed, Tehran: Ney.
- [6] Amoei, H. (1999). Investigating the Causes of Educators to Continue their Education and Training While Serving in Mobid city. Master's thesis, Khwaja Nasir University, Kerman. [In Persian]
- [7] Arasteh, H.R., Behrangi, M.R., & Sharifi Hossein Abadi, M. (2011). Investigating the Effective Factors in the Decision-Making of Fourth Year High School Students to Continue Studying in the University. *Quarterly Journal of Higher Education Association of Iran*, 4(4), 1-24. [In Persian]
- [8] Asadbagi, M., Naderi, A., & Entezari, Y. (2012). Evaluating Students' Expected Returns from Postgraduate Studies. *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, (98), 141-160. [In Persian]
- [9] Bacanl, H., & Sahinkaya, O. (2010). The Adaptation Study of Academic Motivation Scale into Turkish. *International Conference on Education and Educational Psychology*.
- [10] Baker, T.L., Velez, W., (1996). Access to and Opportunity in Postsecondary Education in the United States: A Review. *Sociology of Education*, 69, (Extra Issue), 82- 101.
- [11] Barr, N. (2004). *The Economics of the Welfare State*. Fourth Edition. Oxford: Oxford University Press.
- [12] Bone, J. (2006). *Strategic Plan*. London School of Education and Political Science.
- [13] Bourdiu, P. (1986). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*. Rout ledge
- [14] Bowen, H.R. (1977). *Investment in Learning, the Individual and Social Value of American Higher Education*. Jossey-Bass, San Francisco.
- [15] Bradley, K. (2000). The Incorporation of Woman into Higher Education: Paradoxical Outcomes? *Sociology of Education*. 73, 4-018.
- [16] Brahani, M.T. (2008). *Motivation and Excitement*. Third edition. Tehran: Chehr Publications. [In Persian]
- [17] Canton, E., & Venniker. R. (2001). *Higher Education Reform: Getting the Incentives Right*. CHEPS, Netherland.
- [18] Clark, M.H. & Schroth, C.A. (2010). Examining Relationships between Academic Motivation and Personality among College Student. *Journal of Learning and Individual Differences*. 20, 19-24.
- [19] Coleman, J. (1998). *Foundations of Social Theory*. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Ney Publication. [In Persian]
- [20] Crook, T.R., Todd, S.Y., Combs, J.G., Woehr, D.J., & Ketchen, D.J. (2011). Does Human Capital Matter? A Meta-Analysis of the Relationship between Human Capital and Firm Performance. *Journal of Applied Psychology*, 96(3), 443-456.
- [21] Delaney, A.M. (1999). Parental Income and Students College Choice Process: Research Findings to Guide Recruitment Strategies.
- [22] Emadzadeh, M. (1998). Demand for Higher Education. *Program and Budget Magazine*. (16 & 17), 15-32. [In Persian]

- [23]Entezari, Y., Rouhani, Sh., & Heidari, F. (2013). Macroeconomic Efficiency of Higher Education in Iran. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, (72), 25-50. [In Persian]
- [24]Finnie, R. (2004). Student Financial Aid: The Roles of Loans and Grants. Working Paper 37. School of Policy Studies. Kingston: Queen's University.
- [25]Gangi, H., (2004). Psychology. 1th ed. Tehran: savalan.
- [26]Giannelli, G.C. & Monfardini, C. (2000). Joint Decisions on Household Membership and Human Capital Accumulation of Youths. The Role of Expected Earnings and Local Markets. IZA, Discussion Paper, (191). Available at: <http://ftp.iza.org/dp191.pdf>.
- [27]Green, R.J., & Hill, J.H. (2003). Sex and Higher Education: Do Man and Women Attend College For Different Reasons? College Student Journal, 37(4), 47-84.
- [28]Japanese Government Policies in Education, Science, Sport and Culture (1999). <http://www.mext.go.jp/eky>.
- [29]Javedani, H. (2012). Sustainable Development: through the Development of Iranian Knowledge Production Institutions. First Edition. Tehran: Higher Institute of Management and Planning Education and Research. [In Persian]
- [30]John, F. (2006). Social Capital. Translated by Jalal Motaghi. Tehran: Publications of the Higher Institute of Social Security Research. [In Persian]
- [31]Keikha, A. (2018). A Critical Reflection on The Analysis of Cost and Benefit in Iran's Public and Higher Education System. Quarterly of Research on Educational Leadership and Management, 5(17), 59-89.
- [32]Koen, Ch. (2007). Postgraduate Student Retention and Success: A South African Case Study. Department of Education Science and Skill development Program, Publication; Human science Research Council (HSRC), Form www.hsrcpres.ac.za/produced=2205freedownloads=1.
- [33]Lee, J. (2008). Path Toward Democracy in South Korea, Social Capital, and Democracy Embedded in the Citizen: Asian Survey, 48(4).
- [34]Liaqatdar, M.J., Yazd khasti, B., Naqvi, F., Samiei, F. (2007). The Impact and Role of Employment, Prestige and Political Participation of Women in Higher Education Based on the Attitude of Female Students of Isfahan University. Scientific and Research Journal of Women's Studies, 1(3). [In Persian]
- [35]Maxwell, G., Cooper, M., & Biggs, N. (2000). How People Choose Vocational Education and Training Programs: Social, Educational and Personal Influences on Aspiration. NCVER Publ., Australia.
- [36]Mogaddam, B. (2007). Psychology Practice in Education. 7th ed. Tehran: Seda and sima.
- [37]Mohammadi Rozbahani, K., & Taremi, A. (2005). Motivating Factors of Volunteers to Enter the University. Research and planning quarterly in higher education. (37 & 38), 103-126. [In Persian]
- [38]Mohammadi, R., Sabbaghian, Z., & Sedgh Pour, B. (2005). Reasons for the Motivation of Elementary School Teachers in Kurdistan Province to Continue Their Studies in Higher Education. Tehran: Higher Education Research and Planning Quarterly, (37 & 38). [In Persian]
- [39]Naderi, A. (2001). The Financial Power of the Government and Other Ways of Financing Higher Education. Research Project No. 29, Tehran: Higher Education Research and Planning Institute. [In Persian]
- [40]Naderi, A. (2004). Economics of Education. First Edition. Tehran: Yasturoun Publishing. [In Persian]
- [41]Naderi, A. (2007). Educational Evaluation Using Comparative-efficiency Approach: Capabilities and Challenges. Proceedings of the Third Conference on Internal Evaluation of Quality in University System. Tehran: Center for Quality Evaluation of Tehran University. [In Persian].
- [42]Naderi, A. (2009). Education Finance. First Edition. Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- [43]Naderi, A. (2015). Measurement and Evaluation of Human Capital Based on Integrated Model. First edition, Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- [44]National Youth Organization. (2001). The Situation and Attitude of Iranian youth. First edition, Tehran. [In Persian]

- [45] Naveh Ebrahim, A.R., & Azizi Shamami. M. (2012). Investigating the Relationship Between the Social and Economic Status of Night Students and Their Perception of Investing in Graduate Education. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, (64), 109-130. [In Persian]
- [46] Noland, D., & N. Dwato. (2001). Tennessee Higher Education Commission Higher School Student Opinion Survey.
- [47] Pedro, J.D., Wolleat, P., Fennema, E., Baker, A.D.V. (1981). Election of High School Mathematics by Female and Males: Attribution and Attitude. *American Educational Research journal*. 18, 207- 218.
- [48] Rameshi, R., Naderi, A., & Nami, K. (2013). Evaluating the Efficiency of Education According to the Gender of Working Graduates and Their Type of Education. *Educational Planning Studies Quarterly*, (5), 11-32. [In Persian]
- [49] Raymond, H., & Jounson, H., (2003). Sex and Higher Education: Do Men and Women Attend College for Different Reasons? *College Student Journal*. 37(4), 1- 50.
- [50] Sachman, A. (2005). Post Graduate Study and Community Demand. Center for Professional Education Research and Consultancy (CPERC) Of Kingston University Landon.
- [51] Rush, S. (1994). Analysis Factors that Place Student at Risk. *Journal of Educational Research*.
- [52] Salehi, M., Hajizadeh, M., Fallah, A., & Salim Bahrami, S.H. (2010). Investigating Factors Affecting the Reduction of Academic Motivation of Female and Male Students of Free Islamic Universities in Mazandaran province. *Specialized Quarterly Journal of Social Sciences of Islamic Azad University - Shushtar Branch*, 4(9), 73-86. [In Persian]
- [53] Samuelson, P.A. (1980). *Economics*. New York: McGraw-Hill.
- [54] Rothschild, M., & White, L.J. (1995). The Analytics of Pricing of Higher Education and other Services in which the Customers are Inputs. *Journal of Political Economy*. 103(3).573-586.
- [55] Sarzaim, A. (2007). Demand for Higher Education: with Emphasis on Additional Education Courses. *Tehran: Turkmoroni cultural and artistic magazine*, (11). [In Persian]
- [56] Schab, F. (1974). Research for Attending College as Reported by Female Student; Florida. *Journal of Education Research*. 16, 55- 58.
- [57] Seif, A.A. (2010). *Learning Psychology*. 10th Edition. Tehran, Doran Publication: 120-125. [Persian]
- [58] Shakibaei, D., Iranfar, Sh., Montazeri, N., Rezaei, M., & Yari, N. (2005). The Degree of Motivation of Medical Students to Their Field at Different Stages of Study. *Medicine and Cultivation*, (4), 10-15. [In Persian]
- [59] Shiri, M., & Nooroullahi, T. (2012). Changes in Population Structure and Social Demand for Higher Education in Iran. *Journal of official statistics of Iran*, 23(1), 83-102. [In Persian]
- [60] Sissoko, M., Shiau, L.R. (2005). Minority Enrollment Demand for Higher Education At Historically Black Colleges And Universities From 1976 To 1998, An Empirical Analysis. *Journal Of Higher Education*, 76(2).
- [61] Taheri, A., & Fayyazi, M. (2011). Investigating the Gender& Family Background on the Causes of Loss of Motivation of Academic. *Journal of Technology of Education*. 5 (4), 287-298. [Persian]
- [62] UNESCO. (1998). Higher Education for New society: A student Vision, in *Higher Education in 21 Century*.
- [63] Vossensteyn, J.J. & Canton, E. (2001). Tuition Fees and Accessibility: The Australian HECS; In: CPB/CHEPS, *Higher Education Reform: Getting the Incentives Right*, Netherlands Bureau for Economic Policy Analysis (CPB) and Center for Higher Education Policy Studies (CHEPS), Den Haag: Sdu Uitgevers.
- [64] Yamini Dozi Surkhahi, M. (2009). *New Approaches and Perspectives in Higher Education*. First Edition. Tehran: Publications of the Research Institute of Cultural and Social Studies. [In Persian]
- [65] Zamani, Gh. (2008). The Effectiveness of Higher Education, Affected by the Goals and Educational Programs of Students. *Research and planning quarterly in higher education*, 7(18), 75-95. [In Persian]
- [66] Zare Shah Abadi, A. (2003). Investigating Socio-economic Factors Affecting the Trend Towards Higher Education in Iran (Comparative Study of Female and Male Students in Yazd University). *Social Sciences Quarterly of Allameh Tabatabai University*, 9(18), 23-43. [In Persian]

- [67] Ramazani, A.A., Hedayati, S.P. Faraji, O., Khamsaei, M., Heydari Mukarrar, M. (۲۰۱۰). Investigating the Level of Academic Motivation and Factors Related to it in Students of Zabul University of Medical Sciences. Rostamineh Scientific and Research Quarterly, Zabul University of Medical Sciences, (3)3. [In Persian]
- [68] Bakhshi Jahromi, A., & Shahidi Zandi, K. (2008). Investigating the Study Motivation of Agricultural Students of Kerman Comprehensive Scientific University. Iranian Agricultural Education and Extension Science Quarterly, 5(2), 89-99. [In Persian]
- [69] Jokar, A.Q. (۲۰۰۹). Investigating the Factors and Mmotivations of Girls and Young Women's Tendency to Higher Education. Master's thesis, University of Tehran, Faculty of Social Sciences. [In Persian]
- [70] Shaditalab, J., & Kamali, A. (2002). Social Participation of Women. Women in Development and Politics Quarterly, 1(4), 1-22. [In Persian]
- [71] Gharoun, M. (2002). Analysis and Estimation of Social Demand for Entering Higher Education. Expert Manpower Needs Assessment Plan and Human Resources Development Policy of the Country, Tehran: Research and Planning Institute in Higher Education. [In Persian]
- [72] Menon, M.E. (1998). Factors Influencing Demand for Higher Education, The Case of Cyprus. Higher Education, (35), 251-266.
- [73] Giannelli, G.C. & Monfardini, C. (2000). Joint Decisions on Household Membership and Human Capital Accumulation of Youths, The Role Of Expected Earnings and Local Markets. IZA, Discussion Paper, (191).
- [74] Sissoko, M., & Shiau, L.R. (2005). Minority Enrollment Demand for Higher Education at Historically Black Colleges and Universities From 1976 To 1998, An Empirical Analysis. Journal Of Higher Education, 76(2).